

واژه‌های معادل افسردگی در متون طب سنتی ایران

ماندانا توکلی کاخکی^۱

فرزانه غفاری^۲

ملیحه متوسلیان^{۳*}

چکیده

مفهوم افسردگی در متون طب سنتی ایران از واژه‌های مختلفی برداشت می‌شود. تبیین دقیق مفاهیم این لغات برای تشخیص و درمان صحیح‌تر اختلالات افسردگی ضروری است. در این مطالعه مروری کیفی، پنج واژه مرتبط با افسردگی یعنی جزع، حزن، خبث نفس، غم و کرب با استفاده از متون و لغت‌نامه‌های طب سنتی ایران، فرهنگ‌های لغت مرجع دوره تمدن اسلامی و کتاب‌های متأخرین مورد تجزیه و تحلیل محتوایی قرار گرفته‌اند. نتایج به دست‌آمده بیانگر آن است که غم به عنوان منشأ سایر حالات روانی، احساس فشرده‌شدن قلب و خواستن چیزی مربوط به گذشته است که امکان رسیدن به آن وجود ندارد. حزن حالتی است که به دنبال از دست‌رفتن امر مورد علاقه به وجود آمده و تدریجاً تشدید می‌شود. جزع مرحله شدیدتری از حزن است که فرد با قطع امید از مطلوب بی‌صبر شده و اعمالی مانند سیلی‌زدن به صورت و فریادکشیدن را انجام می‌دهد. کرب، غم ازدیاد یا بنده‌ای است که سبب احساس فشار بر قفسه سینه می‌شود. خبث نفس نیز احساس ناراحتی درونی و گرفتگی خلق بدون علت

۱- استادیار دانشکده طب سنتی و مکمل، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

۲- دانشیار دانشکده‌های طب سنتی و پیراپزشکی، مدیر گروه تاریخ پزشکی مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

۳- استادیار دانشکده طب سنتی و مکمل، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

* (نویسنده مسؤول)

نشانی الکترونیکی: m_motevasselian@yahoo.com

نوع مقاله: مروری تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۵/۱۹ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۲/۶

واضح می‌باشد. ضمناً «تعاریف لغوی» واژه‌های معادل افسردگی غالباً دربردارنده توصیف حالت روانی مرتبط با هر یک از واژگان کلیدی هستند، اما «تعاریف طبّی» آنها غالباً مبین اثرات فیزیولوژیک این حالت‌ها بر بدن می‌باشند.

واژگان کلیدی:

افسردگی، غم، حزن، مترادف، طب سنتی ایران

مقدمه

شیوع روزافزون اختلالات خلقی امروزه یکی از عمده‌ترین مسائل جوامع محسوب می‌گردد (۱). سازمان جهانی بهداشت ضمن تأکید بر سلامت روان در تعریف سلامتی، در سال ۲۰۱۲ اعلام کرد: افسردگی از مهم‌ترین عوامل ایجاد ناتوانی و افزایش بار بیماری در جهان می‌باشد (۲) که سالانه بار اقتصادی بالایی را بر جوامع تحمیل می‌کند (۳-۴). در هر سال ۳۵۰ میلیون نفر از افسردگی رنج می‌برند (۱). در ایران نیز در هر مقطعی از زمان، حداقل ۵/۰۰۰/۰۰۰ نفر به انواع اختلالات خلقی مبتلا هستند (۵) و در جمعیت بالای ۱۵ سال، درصد شیوع افسردگی ۲۱٪ گزارش شده است (۶)، البته در بسیاری از موارد اختلالات خلقی و اضطرابی به صورت هم‌زمان در فرد وجود دارند (۷). از سویی دیگر مطالعات انجام‌شده پیرامون علل، عوارض و راه‌کارهای نظری پیشگیری و درمان اختلالات خلقی و اضطرابی شایع مطرح‌شده در متون طب سنتی ایران، مشخص نمود که این متون حاوی نکات قابل توجهی در این زمینه می‌باشند (۸-۱۱). با این وجود تعدد واژه‌های مبین افسردگی در متون طب سنتی ایران (این موارد حداقل عبارتند از جزع، حزن، خبث نفس، غم و کرب) و پراکندگی مفاهیم مرتبط با آن‌ها در لابه‌لای این متون، نویسندگان مقاله را بر آن داشت تا به تبیین دقیق مفاهیم مرتبط با این واژه‌ها بپردازند. امید آنکه بدین ترتیب زمینه برای درک بهتر مفاهیم واژه‌های معادل افسردگی از دیدگاه این متون و در نتیجه شکل‌گیری برداشت‌هایی دقیق‌تر در رابطه با پیشگیری و درمان این دسته از اختلالات از دیدگاه این مکتب طب به عنوان یک مکتب طب مکمل فراهم گردد.

روش

در این مطالعه مروری منابع در دسترس مرتبط با موضوع تحقیق از قرن اول هجری قمری تا زمان حال مورد بررسی قرار گرفته‌اند. بدین منظور ابتدا واژگان کلیدی متناظر با افسردگی بر اساس شماری از امّهات کتب طب سنتی ایران همچون کامل الصناعة الطبية، القانون فی الطب و ذخیره خوارزمشاهی انتخاب شدند. این موارد عبارت بودند از: جزع، حزن، خبث نفس، غم و کرب. در مرحله بعد تعاریف هر یک از این واژگان کلیدی از کتاب‌های مرجع طب سنتی ایران، لغت‌نامه‌های طب سنتی ایران و فرهنگ‌های معتبر استخراج شد.

عناوین فرهنگ‌هایی که مورد بررسی قرار گرفتند عبارتند از: کتاب «العين» (۱۷۵-۱۰۰ ق.) (۱۲)، «تهذيب الألفاظ» (قرن سه) (۱۳)، «الفروق اللغوية» (۳۹۵ ق.) (۱۴)، «الذريعة إلى مكارم الشريعة» (قرن ۴) (۱۵)، «فقه اللغة و سِرُّ العربية» (۴۲۹-۳۵۰ ق.) (۱۶)، «لسان العرب» (۷۱۱-۶۳۰ ق.) (۱۷)، «مجمع البحرين» (۱۰۸۵-۹۷۹ ق.) (۱۸)، «فروق اللغات فی التمييز بين مفاد الكلمات» (۱۱۵۸-۱۰۸۸ ق.) (۱۹)، «تاج العروس من جواهر القاموس» (۱۲۰۵-۱۱۴۵ ق.) (۲۰)، «الفروق فی اللغة» (۱۳۶۳ ش.) (۲۱)، «فرائد اللغة فی الفروق» (۱۹۹۹ م.) (۲۲).

عناوین منابع مورد استفاده در بخش طب سنتی ایران عبارتند از: «فردوس الحکمة» (۲۴۷-۱۹۲ ق.) (۲۳)، «مصالح الأبدان و الأنفس» (۳۲۲-۲۳۵ ق.) (۲۴)، «کامل الصناعة» (وفات ۳۸۴ ق.) (۲۵)، «هدایة المتعلمین» (وفات قرن ۴ ق.) (۲۶)، «المعالجات البقراطية» (تولد بعد ۳۳۶ ق.) (۲۳)، «کفایه ابن مندویه» (وفات ۴۵۳ ق.) (۲۷)، «القانون فی الطب» (۴۲۸-۳۷۰ ق.) (۲۸)، «الأدوية القلبية» (۴۲۸-۳۷۰ ق.) (۲۹)، «کناش فی الطب» (وفات قرن ۴ ق.) (۳۰)، «التصریف لمن عجز عن التألیف» (وفات ۴۰۴ ق.) (۳۱)، «المأة فی الطب» (وفات ۴۵۲ ق.) (۳۲)، «کتاب

الماء» (وفات ۴۶۶ ق.) (۳۳)، «ذخیره خوارزمشاهی» (۵۳۱-۴۳۴ ق.) (۳۴)، «الموجز» (۶۸۷-۶۰۷ ق.) (۳۵)، «شرح ایلاقی بر قانون» (۳۶)، «شرح آملی بر قانون» (۷۵۳ ق.) (۳۷)، «شرح الأسباب و العلامات» (۶۱۹ ق.) (۳۸)، «بحر الجواهر» (وفات ۹۳۸ ق.) (۳۹)، «عین الحیوة» (وفات ۹۳۸ ق.) (۴۰)، «قاموس الأطباء و ناموس الألباء» (وفات ۱۰۴۴ ق.) (۴۱)، «مفرح القلوب» (قرن ۱۲ ق.) (۴۲)، «داروهای قلبی» (۱۱۳۵ ق.) (۴۳)، «فصول الأعراض» (۱۲ و ۱۳ ق.) (۴۴).

یافته‌ها

در این بخش تطورات قرن اول هجری تا زمان معاصر، در مورد واژگان کلیدی مرتبط با افسردگی در منابع طب سنتی و فرهنگ‌های معتبر به صورت جداول جداگانه طبقه‌بندی شده‌اند.

غم: توضیحات در جدول ۱ ارائه شده است.

کرب: به جدول ۲ مراجعه نمایید.

حزن: در جدول ۳ توضیحات واژه حزن داده شده است.

جزع: به جدول ۴ مراجعه نمایید.

خبث نفس: توضیحات این واژه در جدول ۵ آورده شده است.

بحث

جستاری در واژه‌های معرف افسردگی در متون پزشکی کهن ایرانی نشان داد که دو واژه غم و حزن بیشترین فراوانی را دارند، اگرچه واژه‌های جزع، خبث نفس و کرب نیز در متون قابل ردیابی می‌باشند. در این بخش یافته‌های مطالعه مورد تحلیل بیشتری قرار می‌گیرند.

واژه کلیدی غم که مفهوم آن در قرن اول هجری از روی لغات هم‌خانواده استنتاج می‌شود (۱۲)؛ در سه قرن بعد در تخصصی‌ترین کتاب امراض نفسانی در طب دوران تمدن اسلامی یعنی «مصالح الأبدان و الأنفس» به عنوان مهم‌ترین اعراض نفسانی و قوی‌ترین سبب امراض نفس معرفی شده است (۲۴). در این دوره غم بدون سبب توسط ابوسهل مسیحی مطرح شده است که امروزه با افسردگی اندوژن قابل تطبیق می‌باشد (۲۷، ۳۲). نکته جالب توجه این است که حکما به نقش اساسی قلب در بروز غم و گرم‌شدن روح حیوانی به دلیل حزن توجه داشته‌اند (۳۰)، می‌توان غم را عامل اولیه‌ای در نظر گرفت که با ورود به قلب منجر به حزن می‌شود. حکیم جرجانی در کتاب ارزشمند ذخیره خوارزمشاهی کامل‌ترین تعاریف غم را در رابطه با سبب افسردگی برونزاد و توصیف این حالت روانی بیان داشته است (۳۴). ترادف غم با حزن و کرب و اندوه در قرن‌های بعد مشهود است (۱۷، ۳۷، ۴۲). از قرن یازدهم به بعد مفاهیم مشابه در تبیین غم وارد شده است (۱۹-۱۸، ۲۲، ۴۱)، البته می‌توان تفاوت غم و حزن را در طولانی‌بودن مدت حزن نسبت به غم و در نتیجه لاغری بدن فرد محزون دانست (۱۴، ۲۱).

کرب از جمله لغاتی است که به طور محدود در منابع لغت به کار رفته و می‌توان آن را حالتی شبیه افسردگی در نظر گرفت. این لغت از قرن چهارم به بعد در منابع دیده می‌شود. غالباً به معنای غم (۱۷-۱۶، ۲۲، ۳۳، ۳۹)، حزن (۱۷، ۳۳) و اندوه (۳۹، ۴۴) آمده است، گرچه مؤلف «الفروق اللغویه» به تکاثف و زیادشدن غم و ضیق صدر در کرب توجه داشته است (۲۱).

واژه کلیدی حزن اگرچه در اکثر موارد معادل غم در نظر گرفته شده (۱۵، ۲۴، ۳۷، ۳۹-۴۰)، ولی در بعضی متون سبب آن امری هم‌آورد دانسته شده است (۱۵) و در منابع اندکی معادل زیادشدن غم (۲۱) و یا شدت هم (۱۹، ۳۳) آمده است. این

در حالی است که هم از اعراض نفسانی است که شاید بتوان آن را در رابطه اختلالات اضطرابی بیشتر از افسردگی مطرح کرد. نکته جالب توجه این است که ابن سینا حزن را یکی از دو عامل به وجود آورنده هم می‌داند (۲۸).

جزع در اکثر منابع به عنوان «نقیض صبر» توصیف شده است (۱۲، ۱۵، ۱۷، ۳۹). بهترین تعبیر حکما از جزع، شدت حزنی است که انسان توان مقابله با عامل مهاجم را ندارد (۱۵، ۲۴).

واژه کلیدی خبث نفس معادل بدحالی نفسانی در نظر گرفته شده است. بهترین توصیف خبث نفس در بحرالخواهر آمده است که آن را غم بدون سبب ظاهری دانسته است. امروزه افسردگی اندوژن معادل این حالت در نظر گرفته می‌شود؛ در حالی که قرن‌ها قبل حکیم محمد بن یوسف هروی به این نوع از اختلالات توجه داشته است (۳۹).

نکات شاخصی که در ارزیابی واژه‌های معادل افسردگی در این تحقیق به دست آمد، عبارتند از:

- تعاریف لغوی واژه‌های معرف افسردگی، عمدتاً بیان‌کننده حالات روانی و احساسات درونی فرد هستند که در هنگام بروز اختلال خلقی خاص در فرد ظاهر می‌شوند.

- تعاریف طبی واژه‌های متناظر با افسردگی مطرح‌کننده اسباب اگزوزن و اندوژن برای این اختلالات می‌باشند. حالات روانی خبث نفس و کرب طبق تعاریفشان دارای اسباب درونی هستند در حالی که برای حالاتی مانند غم می‌توان اسباب بیرونی نیز در نظر گرفت.

- غم در تعاریف طبی به دو صورت در منابع آورده شده است: در حالت اول غم به عنوان یک عرض نفسانی و حتی منشأ سایر اعراض مطرح شده است؛ در حالت دوم ترکیبی از بیان احساس، علائم جسمانی، اسباب و مکانیسم‌های مرتبط

با غم مشهود است. توصیف چگونگی حرکت روح و حرارت غریزی از شاخصه‌های این تعاریف هستند.

این مطالعه نشان می‌دهد که تعریف قدما از اختلالات روانی جامع بوده است، ولی طبقه‌بندی‌ها به صورت امروزی پیشرفته نبوده‌اند. در طب جدید تقسیم بندی‌هایی که در راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی^۱ و طبقه بندی بین المللی آماری بیماری‌ها و مشکلات مرتبط با سلامت^۲ مطرح می‌شوند رو به تکامل هستند. در اولین نسخه‌های منتشر شده تعاریف به طور کلی تری ارائه شده بودند و امروزه زیرشاخه‌های گسترده‌تری را برای اختلالات خلقی در نظر می‌گیرند. بدیهی است که انتظار بیان جزئیات از طب سنتی غیر منطقی است، در نتیجه به همین مقدار که تعاریف طب سنتی «جامع افراد و مانع اغیار» هستند، بسنده می‌کنیم، مثلاً غم می‌تواند شامل هر سه اختلال افسرده خوئی^۳، افسردگی اساسی^۴ و سوگ^۵ باشد. نکته قابل توجه دیگر این است که همراهی اختلالات خلقی و اضطرابی به طور مکرر در کتب طب سنتی وجود دارد که این همراهی در طب معاصر نیز به تأیید رسیده است.

در این تحقیق که در تبیین مفاهیم لغات مترادف افسردگی از کتابهای لغت و منابع طب ایرانی استفاده شده است، عمدتاً معنای وضعی کلمات در منابع استحصال گردیده است. برای برداشت صحیح از واژه‌های معادل افسردگی در متون طب ایرانی لازم است که مفاهیم جامع فلسفه و جامعه‌شناسی زبان و نسبت میان زبان و علم کاملاً در نظر گرفته شود و از تئوری زبان‌شناسی جامع و کاربردی ایزوتسو در حوزه کشف معنی دقیق کلمات و نسبت لفظ با معنی استفاده شود (۴۶-۴۷).

نتیجه‌گیری

نتایج به دست‌آمده بیانگر آن است که غم به عنوان منشأ سایر حالات روانی، احساس فشرده‌شدن قلب و خواستن چیزی مربوط به گذشته است که امکان رسیدن به آن وجود ندارد. حزن حالتی است که به دنبال از دست‌رفتن امر مورد علاقه به وجود آمده و تدریجاً تشدید می‌شود. جزع مرحله شدیدتری از حزن است که فرد با قطع امید از مطلوب بی‌صبر شده و اعمالی مانند سیلی‌زدن به صورت و فریادکشیدن را انجام می‌دهد. کرب، غم ازدیاد یا بنده‌ای است که سبب احساس فشار بر قفسه سینه می‌شود. خبث نفس نیز احساس ناراحتی درونی و گرفتگی خلق بدون علت واضح می‌باشد. ضمناً «تعاریف لغوی» واژه‌های معادل افسردگی غالباً دربردارنده توصیف حالت روانی مرتبط با هر یک از واژگان کلیدی هستند، اما «تعاریف طبی» آن‌ها غالباً مبین اثرات فیزیولوژیک این حالت‌ها بر بدن می‌باشند.

سپاسگزاری

نویسندگان مقاله از جناب استاد دکتر محمد مهدی اصفهانی و جناب استاد دکتر سید محمود طباطبایی به دلیل راهنمایی‌های ارزشمندشان در این تحقیق تشکر و قدردانی می‌نمایند.

جدول ۱: مفاهیم مرتبط با «غم»

مغموم کسی است که دارای غم است و وقتی کسی از امری غمگین است که برای او امکان راهنمایی وجود نداشته باشد. غمّاء به دشواری شدید همیشگی گویند و در چنین حالتی مسأله افراد به شدت مبهم و پیچیده است (ج ۴، ص ۳۵۱).	کتاب العین (۱۷۵-۱۰۰ ق.)
رأس اعراض مودی / قوی‌ترین سبب امراض نفس، ریشه و مقدمه سایر اعراض (ص ۲۵۰).	مصالح الابدان و الأنفس (۲۳۵-۳۲۲ ق.)
غم را حزنی دانسته‌اند که به طول می‌انجامد تا بدن را ذوب نماید/ در عبارت غم مفهوم حسرت و أسف جای نمی‌گیرد، زیرا حسرت به معنی غمی است که از یادآوری مطلوب از دست‌رفته عارض می‌گردد و أسف حسرتی است که همراه خشم و غضب باشد (ص ۲۲۱).	الفروق اللغویة (۳۹۵ هجری)
به هنگام عروض غم به تدریج روح حیوانی و حرارت غریزی متوجه باطن می‌گردند (ص ۸۹).	کامل الصناعه (حوالی ۴۰۰ ق.)
غم تن را سرد گرداند و حرکت حرارت غریزی از تن به سوی اندرون رود به یک بار (ص ۱۸۸).	هدایة المتعلمین (وفات قرن ۴ ق.)
سبب ضعف نفس و انهدام بدن (ص ۷۹).	کفایه ابن مندویه (قرن ۴)
غمّ (در متن کتاب احتمالاً به اشتباه «همّ» آمده است) مخصوص قوه حیوانی موجود در قلب است (ص ۱۱۴۰).	التصریف لمن عجز عن التألیف (وفات ۴۰۴ ق.)
غم از جمله اسباب بادیه است که از امور خارج جوهر بدن محسوب می‌شود (ج ۱، ص ۱۲۶). به هنگام عروض غم به تدریج روح حیوانی و حرارت غریزی متوجه باطن می‌گردند (ج ۱، ص ۱۹۷).	القانون فی الطب (۳۷۰-۴۲۸ ق.)
حدوث غمّ در قلب است که روح حیوانی به دلیل حزن گرم می‌شود (ص ۲۸۹).	کناش فی الطب کشکری (قرن ۴)

غم طلب کاری است که حاضر نیست. مطلوب خداوند غم یا از دست رفته باشد و اندریافتن آن متعذر باشد یا معجزه عنه باشد، یعنی عاجز باشد از یافتن آن. / غم حالی است نفس را که هرگاه که مردم را چیزی در بایست از دست بشود یا از آن بازماند و بدان نرسد یا کاری بیند از کسی که او را ناخوش آید و آنکس را از آن باز نتواند داشت و بر آن ملامت و مکافات نتواند کرد غمگین شود. / روح گرم شود (ص ۲۴۰). / به هنگام عروض غم به تدریج روح حیوانی و حرارت غریزی متوجه باطن می‌گردند (صص ۸۷، ۱۱۳، ۲۴۰).	ذخیره (۴۳۴-۵۳۱ ق.)
مرض القلب/ کرب بر گذشته/ غم پوششی بر قلب است. بوعلی می‌فرماید: برای قلب دو آفت وجود دارد که عبارتند از هم و غم. قلب به عنوان منبعی برای دم از تهییج حرارت غریزی توسط غم متأثر می‌شود؛ در غم نگرانی (خوف) از عوارض ناخوشایند (مکروه) مسبب هیجان حرارت و تسخین مزاج وجود دارد که سرانجام باعث انحلال دم و نقض ترکیب طبیعت می‌گردند. همچنین شیخ‌الرئیس غم را مرض قلب می‌داند/ سبب خواب آلودگی (ص ۹۶۶).	کتاب الماء (۴۶۶ ق.)
حرکت تدریجی روح به داخل (ص ۴۴).	الموجز (۶۸۷-۶۰۷ ق.)
غم مرادف با حزن است (صص ۳۳۶-۳۳۷).	شرح آملی (۷۵۳ ق.)
زیادشدن غم به دلیل زیر است: باقی‌ماندن سبب به وجود آورنده آن، یعنی سودا و یا تکرار هم، زیرا با تکرار آن فرد استعداد پذیرش غم را پیدا می‌کند؛ همانطور که با تکرار سخونت بر جسم، فرد مستعد سخونت می‌شود (ج ۱، ص ۱۱۵).	شرح الاسباب و العلامات (۶۱۹ ق.)
مغموم کسی است که دارای غم است و وقتی کسی از امری غمگین است که برای او امکان راهنمایی وجود نداشته باشد. غمّاء به دشواری شدید همیشگی گویند و در چنین حالتی مسأله افراد به شدت مبهم و پیچیده است. / غم، کربی است که به دنبال شنیدن دشنام حاصل می‌شود (ج ۱۲، ص ۴۴۱).	لسان العرب (۷۱۱-۶۳۰ ق.)

بحر الجواهر (وفات ۹۳۸ ق.)	به هنگام عروض غم به تدریج روح حیوانی و حرارت غریزی متوجه باطن می‌گردند (ص ۲۸۵).
عین‌الحیاء (۹۳۸ ق.)	حزن مرادف غم است. / بعد از غم خوفی از وقوع چیز دیگری وجود ندارد (ص ۱۰۴).
مجمع البحرین (۹۷۹-۱۰۸۵ ق.)	بعد از نزول امر ناخوشایند آدمی را فرا می‌گیرد. / خشونت در نفس به دلیل غمی است که در آن حاصل شده است. / سبب خواب‌آلودگی (ج ۶، صص ۱۸۸-۱۸۹).
قاموس الاطباء و ناموس الالباء (۱۰۴۴ ق.)	کرب بر گذشته (ج ۲، ص ۱۱۷).
فروق اللغات فی التمییز بین مفاد الکلمات (۱۱۵۸-۱۰۸۸ ق.)	غم اندوهی است که آدمی توانایی برطرف کردن آن را ندارد همچون فوت کسی که مورد علاقه آدمی است. / بعد از نزول امر ناخوشایند آدمی را فرا می‌گیرد. / سبب خواب‌آلودگی (ص ۱۸۳).
مفرح القلوب (قرن ۱۲)	غم را حزن نیز گویند و ترجمه وی اندوه است (ص ۱۷۵). هرگاه چیزی ضروری از دست برود و یا بدان رسیده نشود یا کاری مکروه واقع شود به نهجی که بر آن و ملامت بدان و مکافات آن ممکن نباشد بدین سبب در نفس حالتی پدید آید، این را غم گویند. / غم کیفیتی است نفسانی که به تبع او حرکت می‌کند روح به داخل بدن از خوف مودی واقعی (ص ۲۱۹).
داروهای قلبی (سال ۱۱۳۵)	به هنگام عروض غم به تدریج روح حیوانی و حرارت غریزی متوجه باطن می‌گردند (ص ۲۷۰). / اسباب خاصه معده غم بی‌اعتبار کمیت روح آن است که مقدار روح کم باشد در هنگام قلت مقدار روح باید که قوت ضعیف گردد. ضعف قوت نیز به اضرار جهات و امور مذکوره که آن عدم حفظ روح از تحلیل و قلت تولد روح و عدم اعتدال قوام و مزاج روح است باید که علت مُعَدّه غم باشد. / اسباب خاصه مُعَدّه غم به اعتبار کیفیت روح یکی عدم اعتدال روح به حسب قوام در غلظت و لطافت است و دویم عدم اعتدال مزاج آن در حرارت و برودت است و سیم ظلمت و کدورت روح است و چهارم ضعف قوت است (ص ۲۸۳).

فصول الاعراض (قرن ۱۲ و ۱۳)	کیفیتی ست نفسانی که روح و تبع وی خون در آن خوفاً عن الموذی به سوی داخل حرکت کند (ص ۲۴۹).
الفروق فی اللغة (۱۳۶۳ ش.)	غم اندوهی است که آدمی توانایی برطرف کردن آن را ندارد، همچون فوت کسی که مورد علاقه آدمی است (ص ۱۳۶).
فرائد اللغة فی الفروق (۱۹۹۹ م.)	غم اندوهی است که آدمی توانایی برطرف کردن آن را ندارد همچون فوت کسی که مورد علاقه آدمی است. / بعد از نزول امر ناخوشایند آدمی را فرا می‌گیرد. / غم به دلیل امری که به وقوع پیوسته یا خیری که فوت شده، پدید می‌آید. / سبب خواب‌آلودگی (ص ۲۳۵).

جدول ۲: مفاهیم مرتبط با «کرب»

فقه اللغة و السر العربیه (۴۲۹-۳۵۰ ق.)	کرب یعنی غمی که نفس را دربر گیرد (ص ۱۹۰).
الفروق اللغویه (۳۹۵ ق.)	کرب تکاثف و زیادشدن غم است همراه با ضیق صدر (ص ۲۲۱).
کتاب الماء (۴۶۶ ق.)	کرب یعنی غمی که نفس را دربر گیرد. کرب حزنی است که عارض نفس می‌گردد. (ص ۱۱۰۵)
لسان العرب (۶۳۰-۷۱۱ ق.)	کرب یعنی غمی که نفس را دربر گیرد (ج ۱، ص ۱۱۱). کرب حزنی است که عارض نفس می‌گردد (ج ۱، ص ۷۱۱).
بحر الجواهر (وفات ۹۳۸ ق.)	کرب یعنی غمی که نفس را دربر گیرد. اندوه نیز معادل کرب در نظر گرفته شده است (ص ۳۱۹).
فصول الاعراض (قرن ۱۲ و ۱۳)	اندوه نیز معادل کرب در نظر گرفته شده است (صص ۲۷۴-۲۷۵).
فرائد اللغة فی الفروق (۱۹۹۹ م.)	کرب یعنی غمی که نفس را دربر گیرد (ص ۱۳).

جدول ۳: مفاهیم مرتبط با «حزن»

فردوس الحکمة (۲۴۷-۱۹۲ ق.)	علت حزن سردی و خشکی است (ص ۶۷).
مصالح الابدان و الأنفس (۲۳۵-۲۲۲ ق.)	تألم نفس ناشی از جزع سبب حزن است. / سبب حزن از دست رفتن چیزی است که مورد علاقه انسان بوده است (ص ۲۶۳).
الذریعة الی مکارم الشریعة (قرن ۴)	سبب حزن از دست دادن محبوب یا سپری شدن زمان برای رسیدن به مطلوب است (ص ۱۷۱). / اگر فرد نزاع کننده در موضع قوت نباشد، جوشش درونی خود را فرو می‌نشاند که این حالت همان حزن است. / متضاد حالت صبر به هنگام نزول بلا و مصیبت حزن است (ص ۱۶۸).
الفروق اللغویة (۳۹۵ هجری)	غمی که به طول انجامد تا این که بدن از اثر آن ذوب گردد، حزن نامیده می‌شود. / حزن تکاثف و زیاد شدن غم می‌باشد و با این توصیف حزن همچون زمین، غلیظ و صلب است. / تفاوت بین حزن و بث آنست که حزن شدت هم را می‌رساند و بث رساننده مفهوم منتشر گردیدن و کتمان نشدن حزن است. / تفاوت بین حزن و کآبه آنست که کآبه اثر حزن است که بر چهره ظاهر می‌شود در صورتی که حزن دارای این ویژگی نیست و در چهره نمایان نمی‌گردد (ص ۲۲۱).
المأء فی الطب (وفات ۴۵۲ ق.)	سردی حزن کم‌تر از خوف است. (شماره صفحه ندارد)
المعالجات البقراتیة (تولد بعد ۳۳۶ ق.)	حرکت روح حیوانی (صص ۴۴-۴۵).
قانون (۳۷۰-۴۲۸ ق.)	هنگام حزن حرکت تدریجی روح به داخل وجود دارد. همچنین یکی از دو عامل حرکت روح در هم را حزن معرفی می‌کند (ج ۱، ص ۱۴۵).
کتاب المء (۴۶۶ ق.)	نقیض سرور / معادل هم (ص ۳۱۸).
شرح آملی (۷۵۳ ق.)	غم مرادف با حزن (صص ۳۳۶-۳۳۷).
لسان العرب (۶۳۰-۷۱۱ ق.)	نقیض فرح / خلاف سرور (ج ۱۳، ص ۱۱۱).

بحر الجواهر (وفات ۹۳۸ ق.)	حزن غمی است که به دنبال از دست رفتن چیزی که مورد علاقه آدمی بوده است، عارض می‌گردد (ص ۱۳۶).
عين الحیاة (۹۳۸ ق.)	حزن مرادف با غم (ص ۱۰۴).
مجمع البحرين (۱۰۸۵-۹۷۹ ق.)	حزن تأسف بر مافات است. / حزن از رذائل نفسانی متعلق به قوه عقلیه است / امر هم آور باعث حزن می‌شود (ج ۶، صص ۱۸۹-۱۸۸).
فروق اللغات فی التمييز بین مفاد الکلمات (۱۱۵۸-۱۰۸۸ ق.)	حزن تأسف بر مافات است (ص ۱۸۳). / حزن هم شدید است. / بـ حزن شدیدی است که دارنده آن شکیبایی ندارد مگر این که آن را اظهار کند و شکوه نماید. در واقع بـ چیزی است که آدمی ابراز می‌دارد و باز می‌گوید در صورتی که حزن چیزی است که پنهان می‌دارد و در دل جای می‌دهد (ص ۶۵).
مفرح القلوب (قرن ۱۲)	غم را حزن نیز گویند و ترجمه وی اندوه است. / گاه باشد که از هم عارض شود غضب و حزن (ص ۱۷۵).
تاج العروس من جواهر القاموس (۱۲۰۵-۱۱۴۵ ق.)	حزن غم حاصل از وقوع مکروه یا فوت محبوب در گذشته است. به نظر «راغب» حزن خوشنوتی است که در نفس برای موارد حاصل شده از غم پدید می‌آید. / نقیض فرح / بین حزن و هم تفاوت وجود دارد (ج ۱۸، ص ۱۳۷).
فصول الاعراض (قرن ۱۲ و ۱۳)	اما از عبارت مؤلف در این مقام کما لا یخفی علی ذوی الافهام در بادی رای اعمیه غم از آن مستفاد می‌شود مگر آنکه قوله نصیب الانسان الی اخره، صفت کاشفه غم باشد (ص ۹۹).
الفروق فی اللغة (۱۳۶۳ ش.)	حزن تأسف بر مافات است (ص ۱۳۶). / بـ حزن شدیدی است که دارنده آن شکیبایی ندارد، مگر این که آن را اظهار کند و شکوه نماید. در واقع بـ چیزی است که آدمی ابراز می‌دارد و باز می‌گوید در صورتی که حزن چیزی است که پنهان می‌دارد و در دل جای می‌دهد (ص ۱۱۸).
فرائد اللغة فی الفروق (۱۹۹۹ م.)	حزن «تأسف بر مافات» است (ص ۲۳۵). / حزن هم شدید است. / بـ حزن شدیدی است که دارنده آن شکیبایی ندارد، مگر این که آن را اظهار کند و شکوه نماید. در واقع بـ چیزی است که آدمی ابراز می‌دارد و باز می‌گوید در صورتی که حزن چیزی است که پنهان می‌دارد و در دل جای می‌دهد (ص ۲۶).

جدول ۴: مفاهیم مرتبط با «جزع»

نقیض صبر (ج ۱، ص ۲۱۶).	کتاب العین (۱۷۵-۱۰۰ ق.)
ناشی از فقدان چیزهای دوست‌داشتنی/ شدت حزن/ آثاری مانند قلق و بی‌صبری دارد که منجر به شکل وحشت‌زده و افعال حاکی از جنون مانند لطم صورت، کندن مو، گریبان چاک کردن و دادزدن می‌شود. جزع فرط حزن است که به دلیل از دست دادن محبوب دامن‌گیر انسان می‌گردد. قوت جزع انسان را به حالت قلق می‌رساند (ص ۲۵۱).	مصالح الابدان و الأنفس (۳۲۲-۲۳۵ ق.)
متضاد حالت صبر به هنگام نزول بلا و مصیبت جزع است (ص ۱۶۸). / فزع و جزع دو برادرند، اما فزع حالتی است که انسان به دلیل «الشیء الخفیف» به آن دچار می‌شود و جزع حالتی است که در اثر شیء دردآور (مولم) به انسان عارض می‌گردد (ص ۱۷۰). / خشم برخاسته از قوت غضبیّه است. هنگامی که این قوت برانگیخته شود خون قلب به جوشش درمی‌آید که در این صورت اگر قوت غضبیّه بر علیه کسی که برتر از انسان است برانگیخته شود و انسان گمان برد که راهی برای انتقام از او وجود ندارد، دم فرو می‌نشیند که این حالت همان جزع است (ص ۱۶۷).	الذریعه الی مکارم الشریعه (قرن ۴)
هَلَع به معنای بی‌تاب و بی‌قرارشدن حالتی است که ناپسندتر از جزع است (ص ۲۰۱).	الفروق اللغویه (۳۹۵ ق.)
نقیض صبر (ج ۸، ص ۴۷).	لسان العرب (۷۱۱-۶۳۰ ق.)
جزع به معنای ناشکیبایی کردن است. / نقیض صبر (ص ۱۱۵).	بحرالجواهر (وفات ۹۳۸ ق.)
نقیض صبر/ جزع به مفهوم حزنی است که انسان را از آنچه درصدد آن بوده است، منصرف می‌سازد و امیدش را قطع می‌کند (ص ۶۷). / هَلَع به معنای بی‌تاب و بی‌قرارشدن حالتی است که ناپسندتر از جزع است (ص ۸۴).	فرائد اللغة فی الفروق (۱۹۹۹ م.)

جدول ۵: مفاهیم مرتبط با «خبث نفس»

كتاب العين (۱۷۵-۱۰۰ ق.)	خبیث به عنوان صفت هر چیز فاسدی می‌باشد (ج ۴، ص ۲۴۸).
كتاب الماء (۴۶۶ ق.)	خبیث ضد طیب است و به معنای هر چیزی است که بو و طعم کریهی داشته باشد که جسم و روح از آن آزار ببینند (ص ۳۸۳).
لسان العرب (۶۳۰-۷۱۱ ق.)	خبث به معنای مکروه است و خبیث النفس یا سنگینی آن یعنی کَریه الحال / ضد طیب است (ج ۲، ص ۱۴۱).
بحرالجمهر (وفات ۹۳۸ ق.)	در صورتی که نتوان برای ضَجَر (خستگی، بی‌قراری و دلتنگی، قلق و اضطراب ناشی از غم) و غم علت ظاهری پیدا نمود، خبث نفس نامیده می‌شود (ص ۱۵۰).

پی‌نوشت‌ها

1. DSM: Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders
2. ICD: International Statistical Classification of Diseases and Related Health Problems
3. Dysthymia
4. Major Depression
5. Grief

فهرست منابع

1. Sadock BJ, Sadock VA, Kaplan HI. Mood disorder. *Kaplan and Sadock's Synopsis of psychiatry behavioral sciences/clinical psychiatry*. Translated by Farzin Rezaei. Vol 3. Tehran: Arjmand; 2007. 143-144.
2. WHO. Depression [Cited 2012]. Available at: <http://www.who.int/mediacentre/factsheets/fs369/en/>.
3. Donohue JM, Pincus HA. Reducing the societal burden of depression: a review of economic costs, quality of care and effects of treatment. *Pharmacoeconomics*. 2007; 25(1): 7-24.
4. Sobocki P, Jönsson B, Angst J, Rehnberg C. Cost of depression in Europe. *J Ment Health Policy Econ*. 2006; 9(2): 87-98.
۵. داویدیان، هاراطون. گزیده‌ای از تازه‌های پزشکی: بحثی کوتاه درباره اولویت‌های بهداشت روانی در جمهوری اسلامی ایران. *مجله فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران*. (۱۳۷۷ ش)، سال سوم، شماره چهارم، صص ۴۳-۳۳.
۶. خسروی، اردشیر. نجفی، فرید. رهبر، محمدرضا. مطلق، محمداسماعیل. کبیر، محمدجواد. شاخص‌های سیمای سلامت در جمهوری اسلامی ایران. سایت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، (۱۳۸۸ ش)، دسترسی در: http://behdasht.gov.ir/uploads/291_1041_simayei-salamat.pdf.
7. Merikangas KR, Zhang H, Avenevoli S, Acharyya S, Neuenschwander M, Angst J. Longitudinal trajectories of depression and anxiety in a prospective community study: the Zurich Cohort Study. *Archives of General Psychiatry*. 2003; 60(10): 993-1000.

8. Motavasselian M, Saghebi SA, Nademi MR, Tavakkoli-Kakhki M. Depression and Dyspepsia: An Implication of Islamic Resources. *J Relig Health*. 2016; 55(6): 1864-1868.
9. Tavakkoli-Kakhki M, Eslami S, Motavasselian M. Nutrient-rich versus nutrient-poor foods for depressed patients based on Iranian Traditional Medicine resources. *Avicenna J of Phytomed*. 2015; 5(4): 298-308.
10. Tavakkoli-Kakhki M, Motavasselian M, Mosaddegh M, Esfahani MM, Kamalinejad M, Nematy M. Food-Based Strategies for Depression Management From Iranian Traditional Medicine Resources. *Iran Red Crescent Med J*. 2014; 16(2): e14151.
11. Tavakkoli-Kakhki M, Motavasselian M, Mosaddegh M, Esfahani MM, Kamalinejad M, Nematy M, Eslami S. Omega-3 and omega-6 content of medicinal foods for depressed patients: implications from the Iranian Traditional Medicine. *Avicenna J of Phytomed*. 2014; 4(4): 225-230.
۱۲. فراهیدی، خلیل بن أحمد. کتاب العین. تحقیق مهدی المخزومی و ابراهیم السامرئی. هشت جلدی، قم: مؤسسه دار الهجرة، (۱۴۰۹ ق.)، جلد اول: ص ۲۱۶؛ جلد چهارم: ص ۲۴۸، ۳۵۱.
۱۳. ابن سکیت، یعقوب بن اسحاق. تهذیب الألفاظ. بیروت: مکتبه لبنان ناشرون، (۲۰۰۵ م.).
۱۴. العسکری، أبی هلال. الفروق اللغویه. قم: منشورات مکتبه البصیرتی، (۱۳۵۳ ش.)، ص ۲۰۱، ۲۲۱.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. الذریعة إلى مکارم الشریعة. قم: منشورات الرضی، (۱۳۹۳ ق.)، ص ۱۶۸-۱۷۱.
۱۶. ثعالبی، عبدالملک بن محمد. فقه اللغة و سر العربیة. قاهره: مکتبه الخانجی، (۱۴۱۸ ق.)، ص ۱۹۰.
۱۷. ابن منظور، محمد بن مکرم. لسان العرب. تصحیح امین محمد عبدالوهاب و محمدصادق عبیدی. پانزده جلدی، بیروت: دار صادر، (۱۳۷۴ ق.)، جلد اول: ص ۱۱۱، ۷۱۱؛ جلد دوم: ص ۱۴۱؛ جلد هشتم: ص ۴۷؛ جلد دوازدهم: ص ۴۴۱؛ جلد سیزدهم: ص ۱۱۱.
۱۸. طریحی، فخرالدین بن محمد. مجمع البحرین. شش جلدی، جلد ششم، تهران: مرتضوی، (۱۳۷۵ ش.)، ص ۱۸۸-۱۸۹.
۱۹. حسینی موسوی جزایری، نورالدین بن نعمة الله. فروق اللغات فی التمییز بین مفاد الکلمات. چاپ دوم، دمشق: مکتب نشر الثقافة الإسلامية، (۱۴۰۸ ق.)، ص ۶۵، ۱۸۳.

۲۰. مرتضی زبیدی، محمد بن محمد. *تاج العروس من جواهر القاموس*. سی و پنج جلدی، جلد هجدهم، بیروت: دار الفکر، (۱۴۱۴ ق.)، ص ۱۳۷.
۲۱. عسکری، ابوهلال. *الفروق فی اللغة*. ترجمه، تعلیق و تصحیح محمد علوی مقدم، ابراهیم الدسوقی شتا. مشهد مقدس: انتشارات امور فرهنگی آستان قدس رضوی، (۱۳۶۳ ش.)، صص ۱۱۸، ۱۳۶.
۲۲. لامنس الیسوعی، هنریکوس. *فرائد اللغة فی الفروق*. قاهره: مکتبه الثقافه الدینیة، (۱۹۹۹ م.)، صص ۱۳، ۲۶، ۸۴، ۲۳۵.
۲۳. طبری، احمد بن محمد. *المعالجات البقراطیه*. نسخه خطی کتابخانه ملی ملک (نسخه معهد تاریخ العلوم العربیة و الاسلامیة فؤاد سزگین)، تهران، (بی‌تا)، شماره ثبت ۴۴۷۴، صص ۴۵-۴۴.
۲۴. ابوزید بلخی، احمد بن سهل. *مصالح الأبدان و الأنفس*. قاهره: معهد المخطوطات العربیة، (۱۴۲۶ ق.)، صص ۲۵۱-۲۵۰، ۲۶۳.
۲۵. اهوازی، علی ابن عباس. *کامل الصناعه الطبیة*. نسخه تصویری کتابخانه آستان قدس رضوی، (بی‌تا)، ص ۸۹.
۲۶. اخوینی بخاری، ربیع بن احمد. *هدایة المتعلمین فی الطب*. چاپ دوم، مشهد مقدس: انتشارات دانشگاه فردوسی، (۱۳۷۱ ش.)، ص ۱۸۸.
۲۷. اصفهانی، ابن مندویه. *الکافی فی الطب (کفایة)*. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی ایران، (۱۳۸۶ ش.).
۲۸. ابن سینا، حسین بن عبدالله. *القانون فی الطب*. تحقیق ابراهیم شمس الدین. چهار جلدی، جلد اول، بیروت: نشر مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، (۱۴۲۵ ق.)، صص ۱۲۶، ۱۹۷.
۲۹. ابن سینا، حسین بن عبدالله. *تفریح القلوب*. ترجمه فارسی رساله ادویه قلبیه ابن سینا. ترجمه خان احمد، تصحیح ظل الرحمن. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی ایران، (۱۳۸۳ ش.).
۳۰. کشکری، یعقوب. *کناش فی الطب*. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی ایران، چاپ اول، (۱۳۸۶ ش.)، ص ۲۸۹.
۳۱. زهراوی، خلف بن عباس. *التصریف لمن عجز عن التألیف*. چاپ اول، کویت: مؤسسه الکویت للتقدم العلمی، إدارة الثقافة العلمیة، (۲۰۰۴ م.)، ص ۱۱۴۰.

۳۲. مسیحی، ابوسهل. *المأة فی الطب* (یکصد گفتار / ابوسهل مسیحی). تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی ایران، (۱۳۹۰ ش.).
۳۳. ازدی، عبدالله بن محمد. *کتاب الماء*. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی ایران، (۱۳۸۷ ش.)، صص ۳۱۸، ۳۸۳، ۹۶۶، ۱۱۰۵.
۳۴. جرجانی، سیداسماعیل. *ذخیره خوارزمشاهی*. نسخه سعیدی سیرجانی. تهران: انتشارات فرهنگ ایران، (۱۳۵۵ ش.)، صص ۸۷، ۱۱۳، ۲۴۰.
۳۵. القرشی، علی بن أبی الحزم. *الموجز فی الطب*. قاهره: لجنة الإحيای التراث الإسلامی، (۱۹۸۶ م.)، ص ۴۴.
۳۶. ایلاقی. شرح بر قانون. نسخه خطی مجلس شورای اسلامی، (بی‌تا)، شماره ثبت ۲۳۸۷۵.
۳۷. محمود بن محمد، الاملی. شرح قانون. نسخه خطی مجلس شورای اسلامی، (بی‌تا)، شماره ثبت ۲۳۸۶۷، صص ۳۳۶-۳۳۷.
۳۸. سمرقندی، نجیب‌الدین. شرح الأسباب و العلامات. شرح نفیس بن عوض کرمانی. دو جلدی، جلد اول، قم: جلال‌الدین، (۱۳۸۷ ش.)، ص ۱۱۵.
۳۹. هروی، محمد بن یوسف. *بحر الجواهر (معجم الطب الطبیعی)*. چاپ اول، قم: جلال‌الدین، (۱۳۸۷ ش.)، صص ۱۱۵، ۱۳۶، ۱۵۰، ۲۸۵، ۳۱۹.
۴۰. هروی، محمد بن یوسف. *عین الحیوة*. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی ایران، (۱۳۸۶ ش.)، ص ۱۰۴.
۴۱. قوصونی، مدین بن عبد الرحمان. *قاموس الأطباء و ناموس الألباء*. دو جلدی، جلد دوم، دمشق: مجمع اللغة العربية، (۱۴۲۱ ق.)، ص ۱۱۷.
۴۲. چغمینی، محمود بن محمد. *مفرح القلوب (شرح قانونچه)*. شرح میرمحمد اکبر بن محمد شاه‌ارزانی. لاهور: مطبعة إسلامیة، (۱۳۱۵ ق.)، صص ۱۷۵، ۲۱۹.
۴۳. موسوی، محمدباقر. *داروهای قلبی*. تصحیح و تحقیق سیدحسین رضوی برقی. تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، (۱۳۸۳ ش.)، ص ۲۸۳.
۴۴. شاه‌ارزانی، میرمحمد اکبر بن محمد. *فصول الأعراض (شرح کتاب حدود الأمراض حکیم / ارزانی)*. شرح سیدابوالقاسم قدرت‌الله قادری. چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی ایران، (۱۳۸۷ ش.)، صص ۲۷۴-۲۷۵، ۲۴۹، ۹۹.

۴۶. توشیهیکو، ایزوتسو. ساختمان معنایی مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: نشر قلم، (۱۳۶۰ ش.).

۴۷. توشیهیکو، ایزوتسو. خدا و انسان در قرآن: معنی‌شناسی جهان‌بینی قرآن. ترجمه احمد آرام. تهران: شرکت سهامی انتشار، (۱۳۶۱ ش.).

یادداشت شناسه مؤلفان

ماندانا توکلی کاخکی: استادیار دانشکده طب سنتی و مکمل، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

فرزانه غفاری: دانشیار دانشکده‌های طب سنتی و پیراپزشکی، مدیر گروه تاریخ پزشکی مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

ملیحه متوسلیان: استادیار دانشکده طب سنتی و مکمل، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.
(نویسنده مسؤول)

نشانی الکترونیکی: m_motevasselian@yahoo.com

Synonyms of Depression in Traditional Iranian Medicine Resources*Mandana Tavakkoli-Kakhki**Farzaneh Ghaffari**Maliheh Motavasselian***Abstract**

Introduction: Depression is a common psychiatric disorder in the community. The concept of depression understood from different words in Traditional Iranian resources. Explaining the concept of depression synonyms is essential for accurate diagnosis and treatment of related disorders.

Method: In this qualitative review, content of five depression synonyms including "Jazaa", "Hozn", "Khobse-Nafs", "Gham" and "Karb" has been analyzed by using of texts and dictionaries in Iranian Traditional Medicine, dictionaries references in era of Islamic civilization and recent books.

Results: In this part conceptions and definitions of each keywords was set (In compliance with the temporal series of resources) in a separate table.

Discussin and Conclusion: The results elucidates "Gham" which is source of other psychiatric disorders, is feeling of heart compression and wish something related to the last time that there is no possibility of achieving it. "Hozn" is a grief mood following the loss of a favorite that gradually increases over time. "Jazaa" is severe stage of "Hozn" that person be disappointed to his desire and therefore become impatient and intolerant (doing behaviors like slap in the face and screaming and ripping the collar.) "Karb" is increasing "Gham" or sadness that causes a feeling of pressure on the chest. "Khobse-Nafs" is an inner discomfort and psychological clogging without any obvious reason. In conclusion, the words in medical resources express physiological state and in dictionaries express psychological state.

Keywords:

Depression, Gham, Hozn, Synonym, Iranian Traditional Medicine